

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۷

صفحات: ۱۹۲-۱۶۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: مردم شهر گرگان ۱۳۹۵)

ابوطالب جعفرآبادی* / دکتر مجید کفاشی** / دکتر بهرنگ صدیقی***

چکیده

هدف از این مقاله شناخت مشارکت سیاسی و تبیین جامعه‌شناختی مؤثر بر آن می‌باشد. روش تحقیق در این مطالعه پیمایشی و ابزار سنجش پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری شامل زنان و مردان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر گرگان بوده است. حجم نمونه ۴۰۰ نفر از مردم این شهر بوده که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: بین شاخص‌های صداقت و صراحت و سهیم کردن و تمایلات همکاری جویانه و احساس اطمینان و دینداری رابطه معنی‌داری با مشارکت سیاسی وجود دارد و علاوه بر این، بنا به آزمون‌های آماری انجام شده بین تحصیلات و گروه‌های متفاوت سنی با مشارکت سیاسی نیز تفاوت وجود دارد. نتایج تحلیلی تبیین جامعه‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی، در تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد، متغیرهای صراحت و سن و دینداری در معادله باقی ماندند. در تحلیل مسیر، از مجموع آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر مشارکت سیاسی، بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته را، متغیر مستقل دینداری به میزان ۰/۹۲۷ درصد داشته است. نتیجه حاصل از ضریب تعیین که برابر با ۰/۱۲۴ درصد است، بیانگر آنست که متغیرهای مستقل بکار رفته در این پژوهش، می‌توانند این میزان از تغییرات مربوط به مشارکت سیاسی را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها

اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، دینداری، صراحت.

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

** استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن (نویسنده مسئول)
kafashi@iau.ac.ir

*** استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مقدمه

اعتماد اجتماعی از طرفی از الزاماتی است مهم برای موجودیت هر جامعه که برای حل مسائل و آسیب‌های جامعه ضروری به نظر می‌رسد به گونه‌ای که باعث پیدایش آرامش و امنیت روانی می‌گردد و برای رفتن به سوی موفقیت در اقتصاد و بالابردن سطح مشروعیت نظام و توسعه‌های سیاسی و اقتصادی ضرورت دارد. اعتماد برای پذیرش قوانین لازم است. از طرف دیگر طی بررسی‌های بعمل آمده روند کاهشی مداوم را در مشارکت سیاسی در سطح ملی و محلی در جامعه‌مان شاهد هستیم، که لازم است سبب شناسی و یافتن راهکارهای آن مورد اقدام واقع شود. از نظر بانک جهانی، اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی که از ابعاد سرمایه‌های اجتماعی هستند، شاخص‌های مهم سرمایه برای هر جامعه می‌باشند. که منابع اصلی آن شامل خانواده و اجتماع محلی و جامعه‌ی مدنی و بخش عمومی و قومیت و جنسیت می‌باشند (خوش‌فر، ۱۳۸۷: ۲۵).

مشارکت سیاسی، یکی از ابعاد مهم مشارکت اجتماعی^۱ است و مطالعات انجام شده در کشورها نشان می‌دهد که این شاخص از گروهی به گروه دیگر متغیر بوده و این تغییرات به صورت آشکاری در بین پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی و طبقاتی متفاوت و سطوح تحصیلی و همچنین مشاغل و جنسیت‌ها و قومیت‌ها و محل‌های سکونت افراد تفاوت و اختلاف دارد. مشارکت همچنین به رفتار شخصی در سهمیم شدن در یک اقدام جمعی نیز بستگی دارد. مشارکت در جوامع بشری ریشه در ساخت و روابط گروه‌ها دارد و وابسته به یک فرایندی است که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم ایجاد می‌گردد.

برای داشتن یک جامعه‌ی پویا و در حال تغییر لازم است جامعه گروه بندی و به گروه‌های خویشاوند و نژادی و مذهبی و شغلی و طبقاتی و تخصصی تقسیم گردند. با این وجود است که این گروه‌ها در یک اجتماع می‌توانند نهادمند شده و سطح مشارکت خود را بر اساس وظایف تعریف شده بالا ببرند.

از دیدگاه نخبه‌گرایان^۲، رفتارهای سیاسی عقلانی و غیر عقلانی است، کسب قدرت از طریق مبارزه در بین نخبه‌ها عقلانی و حمایت سیاسی از نخبه‌ها از طرف توده‌ها غیر عقلانی قلمداد می‌شود. بر این اساس می‌شود عنوان داشت که آنچه در بین نخبه‌ها و توده‌ها از لحاظ

1- social participation

1- Elites

مشارکت سیاسی مطرح است این است که توده‌های مردمی بیشتر بر اساس احساسات خود عمل می‌کنند ولی نخبه‌ها بیش‌تر بر اساس حساب‌گری و منافع خود به صورت عقلانی‌تر می‌اندیشند و عمل می‌نمایند.

در هر حال کمیت و کیفیت اعتماد در هر جامعه‌ای نقش کلیدی در میزان بالای سرمایه اجتماعی^۱ آن جامعه خصوصاً مشارکت سیاسی که یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی است دارد.

بیان مسئله

مشارکت سیاسی در سه دهه اخیر در ایران روند کاهشی داشته است. این کاهش مشارکت به ویژه مشارکت انتخاباتی^۲ در مناطق مرزی و استان‌های چند قومیتی و مذهبی ایران مانند سیستان و بلوچستان، کردستان و گلستان بیشتر بوده است (خوش فر، ۱۳۸۷: ۱). کاواچی معتقد است، اگر اعتماد اجتماعی^۳ در جامعه در حد مطلوبی باشد باعث می‌شود که افراد در فعالیت‌های سیاسی و مدنی مشارکت بیشتری داشته باشند. مشارکت بیشتر منجر به دستیابی به امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی بیشتر می‌شود و از آن طریق سطح سلامت جسمی و روانی افراد بهبود می‌یابد (kawachi, 2001, vol 1: 31).

مشارکت سیاسی در چهارچوب‌های متعارف و قانونی را یکی از سنجه‌های توسعه سیاسی در کشورهای جهان به شمار آورده‌اند (گن، زیر، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۵۱). مایکل راش عقیده دارد که شواهد فراوانی وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر اساس پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، منطقه و مکان سکونت، شخصیت، محیط سیاسی یا زمینه‌ای که مشارکت در آن اتفاق می‌افتد، متفاوت است (راش، ۱۳۸۰، ج ۱: ص ۱۳۳). مطالعات گسترده در کشورهای مختلف نشان داده‌اند، مشارکت سیاسی از گروهی به گروه دیگر متغیر است. این تغییرات به نحو روشنی در بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و طبقاتی مختلف و سطح تحصیلات و مشاغل و جنسیت و قومیت‌ها و محل سکونت، اختلاف معناداری را نشان داده است. عده‌ای مانند مارجر رابطه‌ی بین طبقه‌ی اجتماعی و مشارکت را یکی از

2- Socialcapital
3- Electoral Participation
4- social trust

محکم‌ترین فرضیه‌های جامعه‌شناسی سیاسی می‌دانند که با داده‌های تجربی فراوانی تأیید می‌شود (مارگر، ۱۹۸۱، ج ۱: ۲۷۲). به نظر ساموئل هانتینگتون مهمترین کمبود کشورهای در حال توسعه علاوه بر نارسایی‌های اقتصادی، کمبود

مشارکت سیاسی است. به اعتقاد وی دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی، شهرنشینی، سواد و آموزش، صنعتی شدن و توسعه وسائل ارتباط جمعی دامنه آگاهی سیاسی آنان را وسعت می‌بخشد (هانتینگتون، ۱۳۷۵، ج ۱: ۹).

اعتماد یکی از مهم‌ترین جنبه‌های روابط انسانی و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. دورکیم اعتماد را آرامشی می‌داند که حاصل زندگی مسالمت آمیز بشر در کنار هم‌نوعانش در حالت صلح و به دور از هر گونه دشمنی و خصومت است. فوکویاما اعتماد را مشارکت در ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی در میان اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است می‌داند. پیتر بلاو گسترش مبادلات اجتماعی در جامعه را عامل اصلی اعتماد در میان مردم می‌داند (نورپور، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۰). به اعتقاد جانسون، اگرچه اعتماد خصیصه‌ای شخصیتی نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط محسوب می‌شود که مدام در حال تغییر است. رابطه مبتنی بر اعتماد واجد عناصر: ۱- صداقت ۲- صراحت ۳- سهیم کردن ۴- تمایلات همکاری جویانه ۵- اطمینان است (جانسون، ۱۹۹۳ به نقل از علی نظری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۲). در تحقیقات مختلفی که در این زمینه صورت گرفته، اعتماد اجتماعی به منزله‌ی یکی از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی مطرح شده است.

فوکویاما در پاسخ به این سؤال که چرا برخی کشورها موفقیت بیشتری را در همه‌ی زمینه‌ها نسبت به دیگر کشورها دارند، ادعا می‌کند که در این کشورها بعضی از سطوح بالای سرمایه اجتماعی مانند صداقت و اعتماد، افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۲). بنابراین، تأیید رابطه بین دو متغیر فوق از جانب فوکویاما و کاواچی و هانتینگتون و دورکیم و جانسون، بیانگر آنست که اعتماد اجتماعی حد مطلوب، باعث مشارکت بیشتر در فعالیت‌های سیاسی و مدنی می‌شود. ذکر این نکته که اعتماد اجتماعی در چند سال اخیر توانسته در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی جایگاه بسیار مناسب و رفیعی را کسب کند، به نظر می‌رسد بتواند به عنوان متغیری تبیین کننده در بسیاری از موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به

رفتارها و فعالیتهای سیاسی مجموعه افراد جامعه، تحرک ببخشد و افراد بی بهره از سیاست را در تصمیم گیریها و ساماندهی جامعه سهیم کند. به علاوه از آنجایی که جامعه ما در طول زمان تحولات اجتماعی بسیاری را تجربه کرده است و به نوعی در حال گذار از جامعه سنتی به مدرن است، بدیهی است که آگاهی و شناخت کافی و وافی از کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی آنهم در این برهه از زمان، بیش از پیش ضرورت پیدا می کند. به طوری که وضعیت سیاسی در یک کشور و در یک تقسیم بندی کوچکتر (شهر) می تواند آگاهی و رفتار سیاسی مردم یک جامعه را نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی مشخص کند. با این توضیحات، پرسش آغازین تحقیق این است که: چه رابطه ای بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی وجود دارد؟ کدامیک از ابعاد اعتماد اجتماعی رابطه عمیق تر و قوی تری با مشارکت سیاسی دارند؟ آیا با کنترل متغیرهای زمینه ای (جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی) رابطه ای این دو متغیر تغییر می کند؟

مبانی نظری

۱- مشارکت سیاسی^۱

مشارکت، به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح محلی و ملی دارد و مبتنی بر یک فرایند است، فرایندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می شود (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۳-۱۲).

فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت^۲ را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است.

آنتونی گیدنز در بحث مشارکت سیاسی به مردم سالاری مشارکتی اشاره نموده و آن را نظامی می داند که در آن، تصمیمات به طور جمعی توسط کسانی که این تصمیمات بر زندگی-شان تأثیرگذار است، گرفته می شود. از طرفی پیترسون^۳ (Heath, 2001) مشارکت سیاسی را

1- Political Participation

2- Participation

2- aleph Peterson

به عنوان «تلاش‌هایی که با هدف تأثیرگذاری بر جامعه صورت می‌گیرد» تعریف می‌نماید (تاج مزینانی، ۱۳۸۲ ج ۳: ۱۲۵).

دین یکی از مؤلفه‌های اصلی و مهم و موتور محرکه جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه می‌باشد. متغیر مستقل دین در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد. تأثیر دین در گسترش مشارکت مردمی در طول تاریخ به ویژه در جهان اسلام انکار ناپذیر است. ابن خلدون، جامعه شناس بزرگ اسلامی درباره نقش دین در مشارکت می‌گوید: «دین در بین نیروها وحدت می‌آفریند، رقابت‌ها را از بین می‌برد و به افراد روحیه ایثار می‌دهد. این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولت‌های وسیع می‌انجامد. چنانچه باورهای مذهبی به دلیل تجمل پرستی و... به رکود گراید، وحدت اجتماعی متزلزل می‌گردد» (اسکندری و علایی، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۶).

۱-۱- مارتین لیپست^۱

سی مور مارتین لیپست معتقد است، افراد در بطن نیروهای اجتماعی قرار دارند و رفتارشان متأثر از این نیروها و عوامل است. لیپست در کتاب «دموکراسی اتحادیه» که با همکاری جیمز کلمن و مارتین ترو نوشته است، می‌کوشد تا دلایل فقدان ساز و کارهای الیگارشسی و وجود مشارکت بالا را در سازمان اتحادیه نشان دهد. «دموکراسی اتحادیه» در بررسی و تبیین مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که در اتحادیه، دموکراتیک بودن تصمیم‌گیری‌ها به توسعه گروه‌های ثانویه انجامیده است. منظور آن‌ها از گروه‌های ثانویه، گروه‌هایی مثل کلوپ‌های ورزشی، اجتماعی و غیره هستند که به منظور برآوردن نیازهای تفریحی و اوقات فراغت آن‌ها ایجاد شده‌اند.

راه دیگری که جایگاه اجتماعی از طریق آن می‌تواند به آگاهی سیاسی کمک کند، امکان تماس و ارتباط انسان با سایر کسانی است که کم و بیش مساله ای یکسان دارند. به طور کلی اعضای شاغلی که در بسیاری از نقش‌ها و فعالیت‌های خود الزام دارند بالقوه آگاه‌تر هستند. لیپست در باب تأثیر شغل بر مشارکت سیاسی می‌نویسد: «فعالیت‌هایی که افراد تحت تأثیر مشاغل خود انجام می‌دهند، نه فقط بر مشارکت فردی آنان در شبکه ارتباطات سازمان یافته جامعه و سپس آگاهی‌شان به مسائل سیاسی اثر می‌گذارد، بلکه تا اندازه‌ای توانایی آنان را برای

3- Martin Lipset

درگیری در عمل سیاسی نیز تعیین می‌کند». لیپست از مجموعه تحقیقات خود راجع به انتخابات نتیجه گرفته است، افرادی که تحت فشار به جهت‌های سیاسی مختلف کشانده می‌شوند، دچار دلزدگی سیاسی خواهند شد. هویت‌های گروهی چند گانه سبب کاهش احساس در گزینش‌های سیاسی می‌شوند. بر این اساس اهداف مشارکت همیشه برای دموکراسی خوب نیستند. نرخ‌های بالا یا پایین مشارکت در انتخابات فی نفسه به نفع یا ضرر دموکراسی نیست «این باور که سطح بالای مشارکت همیشه برای دموکراسی خوب است معتبر نیست. چه بسا حوادث دهه ۱۹۳۰ آلمان نشان داد که افزایش سطح مشارکت ممکن است در جهت کاهش انسجام اجتماعی و فروپاشی فزاینده دموکراسی عمل کنند. در حالی که یک دموکراسی ثابت معمولاً برای این باور عمومی استوار است که نتیجه انتخابات تغییرات زیادی در جامعه ایجاد نخواهد کرد» (لیپست، ۱۳۷۳، ج ۱: ۴۶).

۱-۲- هانتینگتون^۱

هانتینگتون تلاش دارد تا بین مشارکت سیاسی و نوسازی رابطه‌ای برقرار کند. او معتقد است که در نوسازی جامعه لازم است نیروهای اجتماعی متکثر شوند و به گروه بندی‌های خویشاوندی، نژادی و مذهبی، گروه بندی‌های شغلی، طبقاتی و تخصصی نیز افزوده شوند. هانتینگتون در آثار خود می‌کوشد تا عوامل پویایی نوسازی و توسعه را بر مبنای عوامل مانند اقتدار خردمندانه، تمایز پذیری ساخت‌ها و گسترش مشارکت سیاسی تبیین کند. اساسی‌ترین ایده او این است که مشارکت سیاسی بدون «نهادمندی» ابزار مشارکت امکان پذیر نیست، به همین جهت وی استواری نظام سیاسی را مشروط به نهادمندی سیاسی آن نظام می‌داند و معتقد است، اگر بین نهادمندی سیاسی و تقاضاهای مشارکت تعادل برقرار شود، آن نظام استوار باقی می‌ماند (هانتینگتون، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۱۹).

۱-۳- نظریه نخبگان^۲

در جامعه شناسی سیاسی «نخبه‌ها» بطور کلی رفتار سیاسی ترکیبی از رفتار عقلانی و غیر عقلانی تلقی می‌شود. مبارزه نخبه‌ها برای کسب قدرت مبارزه‌ای «عقلانی» است، حال آنکه بسیج توده‌ها برای حمایت سیاسی از نخبه‌ها متضمن رفتار غیر عقلانی و احساسی است و بخش عمده‌ای از زندگی سیاسی مبتنی بر چنین رفتارهای غیر عقلانی است (بشیریه، ۱۳۸۲،

1- Huntington

2- Elite theory

ج ۱: ۶۶). در مقابل، سرآمدان، توانایی سازمان بخشیدن به خویش را دارند و همین سازماندهی یکی از ویژگی‌های اصلی «نخبه» بوده است. همواره اقلیتی از مردم می‌توانند به خود سازمان دهند در حالی که قاعدتاً اکثریت تشکل ناپذیر است (راش، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲۳). در طول عمر نهادها و جوامع، غالباً تصمیمات عمده به وسیله‌ی معدودی از افراد که دارای کنش تاریخی کم و بیش طولانی هستند، اتخاذ می‌شود (گی‌روشه، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۶۰). آنچه میان نخبه‌ها و توده مردم از لحاظ مشارکت سیاسی از دیدگاه نخبه‌گرایان باید گفت این است که، توده‌های مردم بیشتر بر اساس احساسات خود عمل می‌کنند. در مقابل نخبه‌ها بیش‌تر بر اساس حساب‌گری منافع خود به صورتی عقلانی‌تر می‌اندیشند و عمل می‌کنند (بشیریه، ۱۳۸۲ ج ۱: ۷۰).

۴-۱- کثرت‌گرا^۱

مفهوم مشارکت سیاسی و قدرت در الگوی پلورالیسم مشابه مفهومی است که ماکس وبر عرضه کرده است. مشارکت سیاسی و گرفتن قدرت بر طبق تعریف وبر «احتمال و اعمال اراده فرد یا گروهی از افراد در طی یک عمل جمعی علی‌رغم مقاومت دیگران است» (بشیریه، ۱۳۸۲ ج ۱: ۷۴۱). در نظریه پلورالیسم وجود مراکز قدرت متنوع و متعدد و علائق و گروه‌های اجتماعی گوناگون و رقابت میان آنها در نتیجه مشارک اجتماعی و سیاسی در درون نظام‌های سیاسی و اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد. دیدگاه کثرت‌گرا از مفهوم گروه‌های فشار قوی یا ذی‌نفع یعنی سازمان‌هایی پدید آمده است که می‌کوشند با مشارکت سیاسی خود در تصمیمات سیاسی نفوذ کنند، تا دیدگاه‌ها و منافع آنها را تحت تأثیر قرار دهند. در چنین نظامی عملاً به همه دیدگاه‌ها یا منافع، توسط کسانی که مسئولیت تصمیم‌گیری را بر عهده دارند توجه می‌شود (معین‌فر، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۰).

۵-۱- مارکسیست^۲

نظریه مارکسیستی در دانش و مشارکت سیاسی عنوان «آگاهی دروغین» را مطرح می‌کند که در آن افراد از منافع واقعی خود بی‌خبرند، زیرا ارزشهای حاکم در جامعه باعث می‌شود که واقعیت را به غلط تعبیر کنند. بدینسان ادراک و آگاهی افراد در رفتار سیاسی آنان تأثیر می‌گذارد و در برخی از موارد به جای وادار کردن آنها به عمل، آنها را به سستی و رکود می‌کشاند. از طرف دیگر مارکس و پیروانش بر این باورند که «عقاید طبقه حاکم در هر دوره‌ای

3- Pluralist

4- Marxists

عقاید حاکم هستند». نکته مهم در شیوه‌ی تجزیه و تحلیل مارکس، تفکیک جامعه به طبقه‌هاست. از دیدگاه مارکس عامل تعیین کننده در تشکیل جامعه‌ی سیاسی و فعالیت سیاسی، تمایز طبقاتی است. در تحلیل مارکس طبقات بازتاب مالکیت سرمایه‌اند. آنان که در جامعه صاحب سرمایه‌اند طبقه حاکم و مسلط را تشکیل می‌دهند و آن دسته که هیچ سرمایه‌ای از خود ندارند طبقه تحت سلطه و استثمار شده را تشکیل می‌دهند (راش، ۱۳۷۷ ج ۱: ۵۴).

ماهیت سیاسی^۱ یک طبقه تنها در منازعه یا طبقه دیگر آشکار می‌گردد. بنابر این طبقات به معنی درست، نه مقولات اقتصادی صرف، بلکه نیروهای سیاسی هستند و از این رو کشمکش بی شک سیاسی است. «هر مبارزه طبقاتی مبارزه‌ای سیاسی است و هر مبارزه سیاسی عمده مبارزه‌ای طبقاتی است» (مارکس، ۱۹۷۶، ج ۱: ۲۵۶، به نقل از معین فر، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۳).

۲- اعتماد اجتماعی^۲

در حوزه علوم اجتماعی و بالاخص در حوزه خاص جامعه‌شناسی اعتماد به عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا ویژگی نظام اجتماعی مفهوم سازی می‌شود. این دیدگاه برخلاف دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی به زمینه‌های اجتماعی تاکید می‌کند. در این دیدگاه اعتماد بیشتر به عنوان یک ویژگی جمعی مورد توجه قرار می‌گیرد، بنابراین برای محصولات نهادی جامعه قابل کاربرد است. (میستال، ۱۹۶۶، به نقل از امیر کافی). نکته قابل توجه در اینجا آن است که در بررسی مفهوم اعتماد، اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی در مقایسه با اتکای انحصاری بر هر یک از این دیدگاه‌ها (اعتماد به عنوان ویژگی شخصیتی و فردی یا اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی) می‌تواند ثمر بخش تر و کارآمدتر باشد. در این زمینه کار گیدنز (۱۹۹۲)، لومان (۱۹۷۷) و باربر قابل توجه است. آن‌ها در حالی که کار خود را با انتظارات مردم شروع می‌کنند، اعتماد را به عنوان بعدی از ساخت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهند که به شکل کامل و منحصری نمی‌تواند در سطح روان‌شناختی یا در سطح نهادی مطالعه شود، بلکه برای درک آن ویژگی روان‌شناختی و سطح نهادی باید بطور همزمان مورد توجه قرار گیرد (امیر کافی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۳).

1- Political nature

2- social trust

دیدگاه جامعه‌گرا^۱ نیز برای تحلیل اعتماد اجتماعی کاربرد دارد. در دیدگاه جامعه‌گرا درباره اعتماد استدلال می‌شود که اعتماد خصوصیت است، اما نه برای افراد، بلکه برای نظام اجتماعی. بر اساس این دیدگاه، مطالعه اعتماد مستلزم رویکردی از بالا به پایین است که بر روی ویژگی‌های سیستماتیک با خصوصیات برآمدی جوامع و نهادهای محوری آن تمرکز دارد (امیرکافی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۴). از این منظر، اعتماد خصیصه‌ی مرکزی شخصیتی افراد نیست، بلکه افراد در آن مشارکت می‌کنند، در آن سهم دارند و از فرهنگ اعتماد داشتن یا از نهادهای اجتماعی و سیاسی‌ای که گسترش نگرش‌ها و رفتارهای مبتنی بر اعتماد را تشویق می‌کنند، سود می‌برند (چلبی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۲).

برخی از صاحب نظران معتقدند که اعتماد به افراد اجازه می‌دهد تا به همکاری بپردازند، در جوامعی که مردم می‌توانند مطمئن باشند؛ اعتماد نه تنها مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه جبران می‌شود و احتمال زیادتری برای انجام دادن معاملات و مبادلات وجود دارد (پاتنام، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹۵؛ کلمن، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۸). برخی دیگر نیز اعتقاد دارند، اعتماد به یکدیگر، شرط تشکیل روابط ثانویه است که به نوبه خود برای مشارکت سیاسی مؤثر در هر دموکراسی وسیع لازم است (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ج ۱: ۸۵).

۱-۲- فوکویاما^۲

فوکویاما معتقد است، میزان بالای اعتماد در یک جامعه موجب پیدایش اقتصادی کارا تر می‌شود. چرا که باعث حذف یا کاهش هزینه‌های مربوط به چانه زنی و مراقبت بر اجرای مفاد قراردادهای اقتصادی می‌گردد. او همچنین کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح کلان را تقویت دموکراسی پایدار از طریق تقویت جامعه مدنی می‌داند: «جامعه مدنی که در سالهای اخیر به طور قابل توجهی کانون توجه نظریه پردازی‌های مردم سالاری بوده است، در مقیاس وسیعی محصول سرمایه اجتماعی است» (فوکویاما، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۳)

1- Societal
2- Fukuyama

۲-۲- دیوید جانسون^۱

طبق دیدگاه جانسون، برای ایجاد ارتباطات اجتماعی، شخص باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که در نتیجه، ترس‌های خود و دیگری را از طرد شدن کاهش داده، امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقاء بخشد. طبق دیدگاه وی، اعتماد، یک خصیصه شخصیتی ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه اعتماد اجتماعی، جنبه‌ای از روابط اجتماعی است که مدام در حال تغییر و پویایی است و این اعمال اجتماعی افراد است که سطح اعتماد را در روابط اجتماعی آن‌ها افزایش یا کاهش می‌دهد. همچنین، اعمال اجتماعی آنها در ایجاد و حفظ اعتماد، در روابط دو سویه و کنش‌های هر دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است (Johnson, 1993:66).

بر چند مفهوم، اعتماد حالت انتزاعی و پیچیده‌ای دارد و به سادگی نمی‌توان عناصر و ابعاد آن را مشخص کرد. ولی جانسون معتقد است که در یک رابطه‌ی مبتنی بر اعتماد، این عناصر وجود دارند: صراحت و باز بودن، سهیم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری جویانه، رفتار مبتنی بر اعتماد، رفتار قابل اعتماد، اعتماد کننده بودن و قابلیت اعتماد داشتن. سطح اعتماد در محدوده‌ی یک رابطه‌ی اجتماعی بر اساس توانایی و گرایش افراد برای اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن، به طور گسترده در حال تغییر است (قدیمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۳۳).

۲-۳- گیدنز^۲

وی اعتماد را به منزله‌ی اطمینان یا انکار بر یک ماهیت یا خاصیت شخصی یا چیزی یا صحت گفته‌ای می‌شناسد و این تعریف به نظر گیدنز نقطه‌ی شروع مفیدی را به وجود خواهد آورد. وی معتقد است که در واقع اطمینان نوع خاصی از اعتماد است و نکاتی را درباره‌ی اعتماد دخیل است می‌شمارد: اولاً شرط نخستین مقتضیات اعتماد عدم قدرت نیست بلکه عدم آگاهی اجتماعی کلی است. در مورد فرد که فعالیت‌های او به صورت مستمر در معرض دید است و روند افکار او آشکار است نیز در مورد نظامی که اعمال کنندگانش شناخته شده و قابل ادراک هستند نیازی به اعتماد نیست. ثانیاً اعتماد به قابلیت اتکای فرد یا سیستم نیست، بلکه آن چیزی است که از آن اعتماد سرچشمه می‌گیرد. اعتماد دقیقاً خط اتصال بین اعتماد و اطمینان

1- David Johnson

2- Giddens

است. بنا به تعریف وی، اعتماد اجتماعی در واقع عاملی اساسی در احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی در شرایط عادی زندگی روزمره است (گیدنز، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۸۲-۱۸۱).

۴-۲- تونیس^۱

تونیس از اندیشمندانی است که از اجتماع گمانشافت و جامعه گزلفشافت سخن به میان آورده است. طبق نظر وی، اجتماع گمانشافتی در بسیاری از ابعاد به یک خانواده بزرگ و گسترده شباهت دارد، به طوری که در آن روابط چهره به چهره است، ولی در گزلفشافت آدم‌ها تنها به دلایل صرفاً ابزاری با دیگران رابطه برقرار می‌کنند. چراکه جست و جوی سود و قدرت در انسان‌های مدرن ذاتی است. بر اساس منطق تونیس، روابط مبتنی بر اعتماد تنها در گمانشافت وجود دارد. اعتماد یک غایت است که درون متن اجتماعی و اقتصادی گمانشافت اتفاق می‌افتد و روابط مبتنی بر اعتماد و مردم قابل اعتماد تنها در اجتماع طبیعی مشاهده می‌شود (میتسال، ۱۳۸۰ به نقل از علی نظری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۰).

به نظر زتومکا، اعتماد لازمه زندگی افراد در جوامع جدید و شهر نشینی است و احتمالاً اعتماد اجتماعی با مواردی نظیر جنسیت، قومیت، نژاد، مذهب، ثروت، تصورات قالبی و پیش داوری‌ها ارتباط دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۲: به نقل از علی نظری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۸).

کنت و نیوتن معتقدند که اعتماد اجتماعی ارتباط گسترده و محکمی با متغیرهای عادی اجتماعی-اقتصادی و سیاست (مانند درآمد، تحصیلات، طبقه، جنس، سن، نژاد، جایگاه شغلی و عضویت در تشکیلات داوطلبانه ندارد (<http://bashgahandisheh.ir>) تاریخ مراجعه: ۹۵/۸/۱۵)

۵-۲- پاتنام^۲

اعتماد باعث تسهیل همکاری شده و هر چه اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. اعتماد یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است و یک عنصر غیر اختیاری و نا آگاهانه نمی‌باشد (پاتنام، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۹۲). پاتنام در بحث اعتماد با توجه به

1- Tunis

2- Putnam

شعاع اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد تعمیم یافته نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند. به نظر وی، این نوع اعتماد «شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد» (همان: ۲۹۳).

فرضیه‌های تحقیق:

۱- فرضیه اصلی:

۱-۱- بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

۲- فرضیات فرعی:

۲-۱- بین صداقت و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

۲-۲- بین صراحت و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

۲-۳- بین سهیم کردن و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

۲-۴- بین تمایلات همکاری جویانه و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

۲-۵- بین احساس اطمینان و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

۲-۶- بین میزان دینداری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

۲-۷- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مشارکت سیاسی تفاوت وجود دارد.

۲-۸- با کنترل سطح تحصیلات، تفاوت بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی تغییر می‌یابد.

۲-۹- با کنترل گروه سنی، تفاوت بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی تغییر می‌یابد.

۲-۱۰- با کنترل جنسیت، رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی تغییر می‌یابد.

روش پژوهش:

با توجه به ماهیت موضوع، برای تبیین دقیق مسأله، از روش پیمایشی بهره‌گیری شد. پیمایش روشی توصیفی-تبیینی است که بر اساس انتخاب نمونه تصادفی و معرف از افراد جامعه مورد پژوهش، و پاسخ آنها به یک مجموعه پرسش با استفاده از پرسشنامه، نظر سنجی و یا روش‌های دیگر، به مطالعه وضع موجود اعم از نگرش‌ها، عقیده‌ها، رفتارها و بطور کلی استخراج اطلاعات درباره شرایط زندگی و مقوله‌هایی که افراد را مشخص و متمایز می‌گردانند، می‌پردازد (میرزائی، خ، ۱۳۸۸، ج ۱: ۸۵).

این پژوهش به مطالعه پدیده در بافت طبیعی خود و بدون دستکاری آزمایشی انجام می‌گیرد. هدف این پژوهش نیز یک هدف اکتشافی-قیاسی است. بصورتی که ابتدا متغیرها با مطالعه مقدماتی از اکتشاف اسنادی شناسایی، و بعد رابطه بین آنها از طریق اطلاعات بدست آمده از نمونه و آزمون فرضیات سنجیده خواهد شد.

جامعه پژوهش

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی مردان و زنان بین ۱۸ تا ۶۵ است که در مدت زمان تحقیق در شهر گرگان سکونت دارند. توضیح این که سن مشارکت افراد در انتخابات شوراها و مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و خبرنگاران رهبری، ۱۸ سال می‌باشد و از طرفی سن فعالیت اقتصادی در ایران بر مبنای استانداردهای شناخته شده آماری ۱۰ تا ۶۵ سال است و معمولاً فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی افراد در این سنین شکل می‌گیرد (<https://www.amar.org.ir> تاریخ مراجعه: ۹۵/۶/۵). بر این اساس سنین افراد مورد مطالعه ۱۸ تا ۶۵ سال تعیین می‌گردد. بر اساس اعلام نتایج سرشماری نفوس و مسکن توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، شهر گرگان ۳۴۳ هزار و ۹۷۷ نفر جمعیت داشته و از مجموع جمعیت فوق، تعداد ۲۳۳ هزار و ۲۳۸ نفر مرد و ۲۲۹ هزار و ۲۱۷ نفر زن می‌باشند. بر اساس این آمار ۲۵۸۷۰۰ نفر آنان بین سنین ۱۸ تا ۶۵ سال قرار داشته که از این تعداد ۱۳۱۹۴۰ نفر زن و ۱۲۶۷۶۰ نفر مرد بوده‌اند.

برآورد حجم نمونه

برای مشخص شدن اندازه نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که بر اساس این فرمول و بکارگیری عناصر آن، حداکثر تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد. جامعه پژوهش حاضر از دو گروه ناهمگون مردان و زنان تشکیل می‌شود. با توجه به اینکه احتمال می‌رفت که بعضی از پرسش‌نامه‌ها به هر نحوی به محقق تحویل نشود، تعداد نمونه‌ها به ۴۰۰ نفر افزایش یافت.

روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شده است. جامعه پژوهش حاضر از دو گروه ناهمگون مردان و زنان تشکیل و جمعیت زنان از مردان بیشتر می‌باشند.

هنگامی که ساختار جامعه‌ی پژوهش ناهمگون بوده و بتوان درون جامعه، قشرها، طبقه‌ها، یا گروه‌های گوناگون اما با درصدهای جمعیتی متناوب را مشخص نمود، می‌توان از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده نمود. در این روش به دو صورت عمل می‌نمائیم:

(۱) در نمونه‌گیری تصادفی نظاممند، فاصله را برای کل جامعه به دست آورده و آنگاه جمعیت هر طبقه را بر آن فاصله تقسیم می‌نماییم تا سهمیه‌ی هر گروه یا طبقه مشخص گردد.

(۲) جمعیت هر طبقه را بر جمعیت کل تقسیم نموده تا درصدهای هر طبقه به دست آید. بعد درصدهای فوق را در حجم نمونه ضرب می‌کنیم تا سهمیه‌ی هر طبقه به دست آید (میرزائی، خ، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۷۶-۱۷۵).

ابزار گردآوری داده‌ها

تکنیک گردآوری داده‌ها در این پیمایش، در بخش تئوریک پژوهش از مطالعه کتاب، نشریات و سایر اسناد و فیش برداری از آنها استفاده گردید. در بخش میدانی با استفاده از مصاحبه حضوری ساختمان (پرسشنامه) اطلاعات لازم گردآوری شد. بنابراین، ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه (خود اجرا) است. به صورتی که ابتدا و با هدف تعیین چهارچوب و ساختار پرسشنامه، سؤالاتی از شهروندان در یک مطالعه مقدماتی به عمل خواهد آمد که در نهایت منجر به تدوین پرسشنامه نهایی گردید.

اعتبار و پایایی ابزار

یافتن متغیرها و شاخص‌هایی برای مفاهیم، بمنظور اندازه‌گیری از ضروریات کار تحقیقی است که آیا شاخص‌ها بطور واقعی و مناسب منعکس‌کننده واقعیت‌ها هستند؟ به بیان دیگر آیا شاخصها آنچه را که ما می‌خواهیم اندازه بگیریم اندازه می‌گیرند؟ به این کار در پژوهش اعتبار می‌گویند. در این پژوهش، برای اینکه دریابیم سؤالات دارای اعتبار است یا نه، ضمن بهره‌گیری از منابع علمی و تحقیقات پیشین و نظر کارشناسان و متخصصان، ابتدا پرسشنامه را

برای اجرای تست مقدماتی در بین ۵۰ نفر از مردان و زنان توزیع، و از نظرات آنان در جهت اصلاح پرسشنامه استفاده گردید.

در بحث شیوه‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری این امر بهتر خود را نمایان خواهد کرد. برای برآورد پایایی نیز از روش ضریب آلفای کرونباخ (با استفاده از نرم افزار SPSS) استفاده گردیده است. در ابتدا برای پرسشنامه شماره یک با ضریب آلفای کرونباخ برابر ۹۱/۰۲ و پس از انجام اصلاحات و اجرای آن، پرسشنامه شماره دو با ضریب آلفای کرونباخ ۹۴ تعیین گردید.

در تفسیر آلفا، دامنه‌ی آن بین ۰ تا ۱ است. پس هر چه آلفا به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشانگر همسانی درونی بالایی است. معمولاً آلفای حداقل ۰/۷۰ قابل قبول است (میرزائی، خ، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۲۲).

نحوه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، آمار توصیفی به منظور سازمان دادن و خلاصه کردن، طبقه بندی نمرات خام و توصیف داده‌ها (شامل: فراوانی‌ها، میانگین‌ها، درصدها، و رسم نمودارها و جداول) استفاده شده است. برای آزمون فرضیات که به بررسی روابط میان متغیرهای پیش بین و ملاک می‌پردازند، از آزمون‌های ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن، پیرسون، کای اسکوئر برای بررسی معناداری رابطه و از آزمون واریانس یکطرفه برای بررسی تفاوت و رگرسیون چند متغیره برای کشف رابطه تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته و تحلیل مسیر که برای آزمودن فرضیه‌های پیچیده از آن استفاده می‌شود بکار رفته است.

سیمای جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی مردان و زنان بین ۱۸ تا ۶۵ است که در مدت زمان تحقیق در شهر گرگان سکونت دارند، که بر اساس اعلام نتایج سرشماری نفوس و مسکن توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، شهر گرگان ۳۴۳ هزار و ۹۷۷ نفر جمعیت داشته و از مجموع جمعیت فوق، تعداد ۲۳۳ هزار و ۲۳۸ نفر مرد و ۲۲۹ هزار و ۲۱۷ نفر زن می‌باشند. بر اساس یافته‌های تحقیق چنین نتیجه‌گیری می‌شود: از مجموع ۴۰۰ پاسخگوی مورد مطالعه، ۴۹ درصد مرد و ۵۱ درصد زن بوده‌اند. اکثریت پاسخگویان در گروه سنی ۳۹ تا ۴۵ سال،

معادل ۲۰/۵ درصد بودند و میانگین سن پاسخگویان نیز ۳۸/۳۰ سال می‌باشد. همچنین ۶۸/۲ درصد از پاسخگویان متأهل و ۳۱/۸ درصد دیگر مجرد بودند. از لحاظ تحصیلی اکثریت (۳۴/۵ درصد) تحصیلاتشان در سطح لیسانس بوده است. همچنین ۶۲/۳ درصد شاغل و ۱۳/۵ درصد از آنان بیکار و ۷/۵ درصد خانه دار و ۴/۶ درصد دانشجو، ۵/۸ درصد محصل، ۲/۹ درصد کارگران فصلی و سه درصد بدون پاسخ بوده‌اند. از لحاظ قومیت، اکثر پاسخگویان شامل ۷۷/۳ درصد از قومیت فارس و ما بقی از اقوامی دیگر شامل ترک، لر و... بوده‌اند.

توصیف متغیرها

این پژوهش در قالب دو نوع متغیر (مستقل و وابسته) مطرح شده که متغیر وابسته با سیزده شاخص و متغیر مستقل با هفتاد و دو شاخص مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. برای توصیف در صورتی که میانگین محاسبه شده از ۱ تا ۱/۷۹ باشد، نشانگر خیلی کم و اگر از ۱/۸۰ تا ۲/۵۹ باشد نشانگر کم و اگر از ۲/۶۰ تا ۳/۳۹ نشانگر دیدگاه متوسط یا بینابین و اگر از ۳/۴۰ تا ۴/۱۹ باشد نشانگر نظر زیاد و اگر از ۴/۲۰ تا ۵، نشانگر نظر خیلی زیاد پاسخگویان با گویه‌های مورد نظر می‌باشد

۱- توصیف نتایج تحقیق:

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی شاخص‌های متغیر مستقل

ردیف	گویه	گزینه هائیکه بیشترین آمار را داشته‌اند	میانگین گویه‌ها
۱	صداقت	صداقت در رفتار = ۳/۱۰	۲/۹۱
۲	صراحت	اعضای خانواده = ۴/۱۸	۲/۷۳
۳	سهیم کردن	اعضای خانواده = ۴/۴۱	۲/۸۹
۴	همکاری	گروه‌های مذهبی = ۲/۸۸	۲/۴۰
۵	اطمینان	اعضای خانواده = ۴/۴۴	۲/۹۴
۶	دینداری	رفتار دینی = ۳/۸۴	۳/۴۱
۷	مشارکت سیاسی	شرکت در انتخابات = ۳/۹۷	۳/۱۹
میانگین = ۲/۹۲			

گویه های متغیر صداقت مورد سنجش قرار گرفت و گویه رفتار بیشترین میانگین (۳/۱۰) را به خود اختصاص داده و نشانگر نظر پاسخگویان در سطح زیاد است. ارزیابی میانگین گویه های صداقت که برابر با ۲/۹۱ است، بیانگر نظر بینابین پاسخگویان به این متغیر بوده است. نتایج حاصله از متغیر صراحت، گویه اعضای خانواده، بیشترین میانگین (۴/۱۸) را به خود اختصاص داده، که نشانگر نظر خیلی زیاد است. همچنین ارزیابی میانگین این متغیر که برابر با ۲/۷۳ است، بیانگر نظر بینابین پاسخگویان به این متغیر است.

سنجش متغیر سهیم کردن نشان می دهد که از یازده گویه این شاخص، گویه اعضای خانواده بیشترین میانگین (۴/۴۱) را به خود اختصاص داده که نشانگر نظر خیلی زیاد است. ارزیابی میانگین گویه های شاخص میزان سهیم کردن (برابر با ۲/۸۹)، بیانگر نظر بینابین به این شاخص می باشد.

متغیر همکاری مورد سنجش قرار گرفته که از مجموع گویه ها، گویه گروه های مذهبی بیشترین میانگین (۲/۸۸) را به خود اختصاص داده که نشانگر نظر بینابین است. با این نتیجه، اکثر پاسخگویان به اهمیت همکاری با گروه های مذهبی توجه بالایی دارند. ارزیابی کل میانگین شاخص میزان همکاری که برابر با ۲/۴۰ است، بیانگر نظر بینابین پاسخگویان به این شاخص است. ارزیابی کل معیارهای همکاری، بیانگر آن است که افراد در مشارکت سیاسی، معیارهای همکاری را در سطح بینابین مورد توجه قرار می دهند.

متغیر اطمینان، مورد ارزیابی قرار گرفت که از مجموع گویه ها اکثر پاسخگویان به گویه اعضای خانواده با میانگین ۴/۴۴ توجه نشان داده اند و نشانگر نظر خیلی زیاد است. میانگین گویه های فوق که برابر با ۲/۹۴ است، بیانگر نظر بینابین پاسخگویان به گویه های این متغیر است و بیانگر آنست که افراد تا این حد به متغیر فوق توجه دارند.

با توجه سنجش متغیر دینداری، از بین گویه های مربوط به این شاخص، گویه رفتار دینی میانگین ۳/۸۴ به خود اختصاص داده که نشانگر نظر زیاد است. با توجه به میانگین کل شاخص دینداری که برابر ۳/۴۱ است بیانگر نظر زیاد پاسخگویان به این متغیر است.

ارزیابی صورت گرفته از متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان، بیانگر آن است که اکثر پاسخگویان (۳۸/۵ درصد) از طبقه پایین جامعه بوده و کمترین آنان (۵ درصد) از طبقه بالای بالای جامعه بوده اند.

جنسیت پاسخگویان سنجیده شد که با توجه به اینکه، جامعه آماری از دو جنس متفاوت است برای انتخاب نمونه‌ها در این تحقیق علاوه بر طبقات جنسی و نحوه توزیع آن نیز معیار اختصاص نمونه به طبقات قرار گرفت. بر این اساس، تعداد نمونه‌ی آماری در بین زنان ۲۰۴ نفر و تعداد نمونه‌ی آماری در بین مردان ۱۹۶ نفر تعیین و انجام شد.

بر اساس سنجش متغیر گویه‌های مشارکت سیاسی، گویه شرکت در انتخابات با میانگین ۳/۹۷ درصد در حد زیاد بیانگر آنست که افراد شرکت در انتخابات آتی را در حد زیاد انتخاب نموده‌اند. میانگین کل گویه‌های متغیر مشارکت سیاسی نیز ۳/۱۹ که بیانگر نظر زیاد پاسخگویان به آن است.

۲- آمار استنباطی:

در این پژوهش، بر مبنای مدل تحقیق، تعداد ۱۰ فرضیه مطرح و مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. برای وجود و یا عدم وجود رابطه در فرضیه صداقت و مشارکت سیاسی از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. با توجه به آنالیز ضریب همبستگی (۰/۱۴۹) با سطح معنی داری ۰/۰۰۳، نتیجه‌گیری می‌شود که بین صداقت و مشارکت سیاسی افراد رابطه وجود دارد. در فرضیه صراحت و مشارکت سیاسی افراد برای وجود و یا عدم وجود رابطه از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد که با توجه به آنالیز ضریب همبستگی (۰/۱۸۶) با سطح معنی داری ۰/۰۰۰، نتیجه‌گیری می‌شود که بین صراحت افراد و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود دارد. برای وجود و یا عدم وجود رابطه در فرضیه سهیم کردن افراد و مشارکت سیاسی آنان از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. با توجه به آنالیز ضریب همبستگی (۰/۱۳۸) با سطح معنی داری ۰/۰۰۶، نتیجه‌گیری می‌شود که بین سهیم کردن افراد و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود دارد. برای وجود و یا عدم وجود رابطه در فرضیه تمایلات همکاری با مشارکت سیاسی از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد و با توجه به آنالیز ضریب همبستگی (۰/۱۷۰) با سطح معنی داری ۰/۰۰۱، نتیجه‌گیری می‌شود که بین تمایلات همکاری و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. برای سنجش رابطه بین احساس اطمینان افراد و مشارکت سیاسی آنان از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به آنالیز ضریب همبستگی ۰/۱۱۲ با سطح معنی داری ۰/۰۴۹، بیانگر آنست که بین احساس اطمینان افراد جامعه و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود دارد. برای سنجش رابطه بین دینداری و مشارکت

سیاسی، از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. با توجه به آنالیز ضریب همبستگی (۰/۱۵۱) با سطح معنی داری ۰/۰۰۲، مشخص شد که بین دینداری افراد و مشارکت سیاسی آنان، رابطه وجود دارد. برای سنجش تفاوت بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد و مشارکت سیاسی آنان، آزمون تحلیل واریانس یکطرفه بکار گرفته شد. مقدار $F(۱/۶۷۰)$ در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۱۵) است و معنی دار است و فرض پژوهش تأیید می‌شود. نتیجه‌گیری می‌شود که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و مشارکت سیاسی آنان تفاوت وجود دارد. برای سنجش تفاوت بین متغیر تحصیلات افراد و مشارکت سیاسی آنان، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد که مقدار $F(۳/۸۴۴)$ در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ (۰/۰۰۰) قرار دارد و معنی دار است و فرض پژوهش تأیید می‌شود. بر این اساس بین سطح تحصیلات افراد و مشارکت سیاسی آنان تفاوت وجود دارد. از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه برای سنجش تفاوت بین گروههای سنی افراد و مشارکت سیاسی آنان استفاده شد. مقدار $F(۲,۴۰۱)$ در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ (۰/۰۰۰) قرار دارد و معنی دار است و فرض پژوهش تأیید می‌شود و بیانگر آنست که بین گروههای سنی جامعه و مشارکت سیاسی آنان تفاوت وجود دارد. برای آزمون رابطه بین جنسیت افراد و مشارکت سیاسی آنان از آزمون کای اسکوئر استفاده گردید. با توجه به سطح معنی داری ۰/۷۲۳، نتیجه‌گیری می‌شود که بین جنسیت افراد و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود ندارد.

جدول شماره (۲): خلاصه مدل تحلیل مسیر تأثیر متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی

روش ورود متغیرها	گام به گام
ضریب همبستگی چندگانه	$R = ۰/۳۵۲$
ضریب تعیین	$R \text{ Square} = ۰/۱۲۴$
ضریب تعیین تعدیل یافته	$\text{Adjusted R Square} = ۰/۱۰۱$
خطای معیار (خطای همبستگی)	$\text{Std. Error of the Estimate} = ۵/۶۲۶$
تحلیل واریانس	$F = ۵/۴۸۹$
سطح معناداری	$\text{Sig.} = ۰/۰۰۰$

جدول شماره (۳): مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته

برچسب متغیر مستقل	نام متغیر مستقل	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم
X1	صداقت	-	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴
X2	صراحت	۰/۲۹۱	۰/۱۴۲	۰/۴۱۳
X3	سهیم کردن	-	۰/۰۸۲	-۰/۰۸۲
X4	تمایلات همکاری	۰/۱۰۵	۰/۱۱۱	۰/۲۱۶
X5	احساس اطمینان	-	-۰/۱۳۲	-۰/۱۳۲
X6	دینداری	۰/۸۲۲	۰/۱۰۵	۰/۹۲۷
X7	پایگاه اجتماعی-اقتصادی	-	-۰/۰۴۰	-۰/۰۴۰
X8	تحصیلات	-	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵
X9	سن	-	-۰/۱۷۰	-۰/۱۷۰
X10	جنسیت	-	۰/۰۳۲	۰/۰۳۲

نتایج تحلیل رگرسیونی بیانگر آنست، از ۱۰ متغیر مستقل، شش متغیر شامل: صداقت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، اطمینان، تحصیلات، جنس، در معادله رگرسیونی به خاطر عدم تأیید رابطه معنی داری و همچنین داشتن رابطه اندک با متغیر وابسته، از معادله خارج شدند و چهار متغیر دیگر شامل: صراحت با ضریب بتای ۰/۱۴۲ و سن با ضریب بتای -۰/۱۷۰ و دینداری با ضریب بتای ۰/۱۰۵ و تمایلات همکاری جویانه با ضریب بتای ۰/۱۱۱ در معادله باقی ماندند. ضریب تعیین در این معادله رگرسیونی برابر با ۰/۱۲۴ حاصل شده است. این ضریب نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل می‌توانند ۱۲/۴ درصد از تغییرات مربوط به متغیر وابسته که همان مشارکت سیاسی است را تبیین کنند. ضریب تعیین تعدیل یافته ۰/۱۰۱ بدست آمده که نشان می‌دهد، متغیرهای مستقل به تنهایی ۱۰/۱ درصد از تغییرات مربوط به مشارکت سیاسی را تبیین می‌کنند. در تحلیل مسیر، از مجموع آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرها، یافته‌های حاصل از بکارگیری تحلیل مسیر نشان می‌دهد که، بیشترین تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم را بر مشارکت سیاسی، متغیر دینداری با ۰/۹۲۷ درصد داشته است. بر همین اساس می‌توان

پیش بینی نمود که افراد همواره به متغیر دینداری بیشتر از متغیرهای دیگر، در مشارکت سیاسی خود، توجه می‌نمایند.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، ۰/۱۲۴ درصد از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیلی تحلیل مسیر تبیین می‌شود. بنابراین، مدل علی بدست آمده ۰/۸۷۶ درصد، از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمی‌کند و تغییرات مشارکت سیاسی، تحت تأثیر متغیرهایی خارج از مدل تحلیلی این تحقیق می‌باشد.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، بررسی تبیین جامعه شناختی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی است. فرضیات این تحقیق شامل: صداقت، صراحت، سهیم کردن، تمایل به همکاری، اطمینان، دینداری، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، تحصیلات، سن، جنسیت مردم است که رابطه این متغیرها با مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

به عقیده‌ی گیدنز بی اعتمادی به معنای شک داشتن یا باور نداشتن به ادعاهای صداقتی است که کنشگران آنها را نمایش یا بروز می‌دهند. فوکویاما در پاسخ به این سؤال که چرا برخی کشورها موفقیت بیشتری نسبت به دیگر کشورها دارند، ادعا می‌کند که در این کشورها سطوح بالای سرمایه اجتماعی، صداقت و اعتماد، افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می‌کند. در این پژوهش متغیر صداقت مورد سنجش قرار گرفت، ارزیابی میانگین گویه‌های صداقت که برابر با ۲/۹۱ است، بیانگر نظر بینابین پاسخگویان به متغیر بوده که نشانگر آن است که صداقت افراد تا این حد مورد توجه مردم جامعه است. از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای وجود و یا عدم وجود رابطه در فرضیه صداقت و مشارکت سیاسی استفاده شد. با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۳، نتیجه‌گیری می‌شود که بین صداقت و مشارکت سیاسی افراد رابطه وجود دارد. تأیید رابطه بین صداقت و مشارکت سیاسی نشان از تأیید نظریات گیدنز و فوکویاما و جانسون و توکیوول دارد مبنی بر اینکه هر چه صداقت در جامعه بیشتر شود موجبات پیشرفت و مشارکت افراد آن جامعه را فراهم می‌نماید.

به نظر جانسون یکی از عناصری که رابطه‌ی مبتنی بر اعتماد را ایجاد می‌نماید صراحت و باز بودن است. سطح اعتماد در محدوده‌ی یک رابطه‌ی اجتماعی بر اساس توانایی و گرایش افراد

برای اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن، به طور گسترده در حال تغییر است. بر اساس سنجش انجام شده در مورد متغیر صراحت، ارزیابی میانگین این متغیر که برابر با ۲/۷۳ است که بیانگر نظر بینابین پاسخگویان به گویه‌های صراحت است. آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای فرضیه صراحت و مشارکت سیاسی استفاده شد که با توجه به سطح معنی داری ۰/۰۰۰، نتیجه‌گیری می‌شود که بین صراحت افراد و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود دارد. با توجه به نظر جانسون مبنی بر رابطه صراحت در روابط اجتماعی افراد، و تأیید فرضیه فوق، به این نتیجه می‌رسیم که نظریه آقای جانسون مورد تأیید قرار گرفته است. بر این اساس بالا رفتن میزان صراحت در جامعه باعث افزایش مشارکت‌های سیاسی افراد می‌شود.

سهیم کردن یکی از عناصری است که به اعتقاد جانسون در یک رابطه مبتنی بر اعتماد وجود دارد، سطح اعتماد در محدوده‌ی یک رابطه اجتماعی بر اساس توانایی و گرایش افراد برای اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن، به طور گسترده در حال تغییر است. متغیر میزان سهیم کردن توسط پاسخگویان مورد سنجش قرار گرفته که ارزیابی میانگین گویه‌های شاخص میزان سهیم کردن که برابر با ۲/۸۹ است، بیانگر نظر بینابین پاسخگویان به این شاخص است و نشانگر آنست که پاسخگویان به شاخص‌های میزان سهیم کردن در امر مشارکت سیاسی تا این حد توجه دارند. برای وجود و یا عدم وجود رابطه در فرضیه سهیم کردن افراد و مشارکت سیاسی آنان از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به آنالیز ضریب همبستگی (۰/۱۳۸) با سطح معنی داری ۰/۰۰۶، نتیجه‌گیری می‌شود که بین سهیم کردن افراد و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود دارد. با توجه به نظر آقای جانسون مبنی بر سهیم کردن که یکی از عناصر مرتبط با اعتماد که باعث مشارکت افراد در روابط اجتماعی است، بنابراین، نظریه وی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

به اعتقاد جانسون عنصر تمایلات همکاری جویانه در یک رابطه مبتنی بر اعتماد، وجود دارد. سطح اعتماد در محدوده‌ی یک رابطه اجتماعی بر اساس توانایی و گرایش افراد برای اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن، به طور گسترده در حال تغییر است. متغیر تمایلات همکاری مورد سنجش قرار گرفته که ارزیابی کل میانگین شاخص میزان همکاری که برابر با ۲/۴۰ است، بیانگر نظر بینابین پاسخگویان به این شاخص است. ارزیابی کل معیارهای همکاری، بیانگر آن است که افراد معیارهای همکاری را در سطح بینابین مورد توجه قرار داده‌اند. برای وجود و یا عدم وجود رابطه در فرضیه تمایلات همکاری جویانه افراد با مشارکت سیاسی آنان از آزمون

ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. با توجه به آنالیز ضریب همبستگی (۰/۱۷۰) با سطح معنی داری ۰/۰۰۱، نتیجه‌گیری می‌شود که بین تمایلات همکاری جویانه افراد و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود دارد. با توجه به تأیید این فرضیه، نظریه جانسون که در مورد رابطه ارتباط اعتماد با تمایلات همکاری جویانه افراد که باعث مشارکت در روابط اجتماعی آنان می‌شود، نظریه‌ی وی تأیید می‌شود.

به عقیده‌ی محسنی و جاراللهی مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر یک فرایند است، فرایندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود. گیدنز معتقد است معمولاً می‌توان اطمینان داشت که خویشان و بستگان، تقریباً صرف نظر از علاقه قلبی آنها به شخص مورد نظر، به مجموعه تعهداتی در قبال وی پایبندند. حاصل سخن اینکه خویشاوندی رشته‌ای از پیوندهای اجتماعی قابل اطمینان را فراهم می‌کند که اغلب به صورت عملی تشکیل دهنده میانجی و واسطه‌ای است که روابط اعتماد را سازماندهی می‌کند. در همین رابطه متغیر اطمینان از یابی شد، میزان میانگین گویه‌های میزان اطمینان، برابر با ۲/۹۴ بوده که بیانگر نظر بینابین پاسخگویان به این متغیر است و بیانگر آنست که پاسخگویان تا این حد به متغیر فوق توجه دارند. برای سنجش رابطه بین احساس اطمینان افراد و مشارکت سیاسی آنان از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به آنالیز ضریب همبستگی ۰/۱۱۲ با سطح معنی داری ۰/۰۴۹، بیانگر آنست که بین احساس اطمینان افراد جامعه و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود دارد. تأیید رابطه‌ی فوق بیانگر تأیید نظریات آقایان محسنی و جاراللهی و گیدنز در رابطه با احساس اطمینان از جانب افراد جامعه که در کنش و فعالیت اجتماعی آنها تاثیرگذار است، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

به عقیده گیدنز، از جهاتی، جهان بینی‌های دینی تأمین کننده تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی شخصی و اجتماعی و همچنین از جهان طبیعی هستند که برای مومنان محیطی آکنده از امنیت ایجاد می‌کنند. دین یکی از ابزارهای سازمان دهنده اعتماد است که به چندین طریق عمل می‌کند. بر اساس تحقیقات پناهی و شایگان که در سال ۱۳۸۶ صورت گرفته، بین میزان دینداری و اعتماد بینادی پاسخگویان رابطه وجود دارد. با توجه به سنجش متغیر دینداری میانگین کل این شاخص برابر با ۳/۴۱ است بیانگر نظر زیاد پاسخگویان به این متغیر است که نشانگر توجه آنان تا این حد به متغیر دینداری است. برای سنجش رابطه بین دینداری

افراد و مشارکت سیاسی آنان، از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. با توجه به آنالیز ضریب همبستگی (۰/۱۵۱) با سطح معنی داری ۰/۰۰۲، مشخص شد که بین دینداری افراد و مشارکت سیاسی آنان، رابطه وجود دارد. نظر به تأیید رابطه‌ی فرضیه دینداری و مشارکت افراد و با عنایت به رگرسیون و تحلیل مسیر صورت گرفته و مشخص شدن تأثیر ۰/۹۷۲ درصدی متغیر مستقل دینداری بر متغیر وابسته مشارکت سیاسی که بالاترین میزان را از بین متغیرهای مستقل به خود اختصاص داده است. بر اساس نظریه ابن خلدون و گیدنز مبنی بر نقش دین در تفسیر افراد و مشارکت آنان و پژوهش پناهی و شایگان مبنی بر رابطه بین دینداری و اعتماد، این نظریه‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرند.

میلبراث و راش، هانتینگتون و لیپست و دیگران در رابطه با این که، عوامل اجتماعی و اقتصادی باعث افزایش مشارک سیاسی می‌شود نظر واحدی دارند. عده‌ای مانند مارجر رابطه‌ی بین طبقه‌ی اجتماعی و مشارکت را یکی از محکم‌ترین فرضیه‌های جامعه‌شناسی سیاسی می‌دانند که با داده‌های تجربی فراوانی تأیید می‌شود. دی. آل. شت ضمن تأکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد گویای آن است که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است. مطالعات گسترده در کشورهای مختلف نشان داده‌اند که مشارکت سیاسی از گروهی به گروه دیگر متغیر است. این تغییرات به نحو روشنی در بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و طبقاتی مختلف، سطح تحصیلات، مشاغل، جنسیت، قومیت‌ها و محل سکونت اختلاف معناداری را نشان داده است. از دیدگاه مارکس عامل تعیین کننده در تشکیل جامعه‌ی سیاسی و فعالیت سیاسی، تمایز طبقاتی است. با توجه به ارزیابی صورت گرفته از متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان، بیانگر آن است که اکثر پاسخگویان (۳۸/۵ درصد) از طبقه پایین جامعه بوده بوده‌اند. برای سنجش تفاوت بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد و مشارکت سیاسی آنان، آزمون تحلیل واریانس یکطرفه بکار گرفته شد. مقدار $F(1/670)$ در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۱۵) قرار دارد و معنی دار است و فرض پژوهش تأیید می‌شود، که مشخص می‌شود بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد و مشارکت سیاسی آنان تفاوت وجود دارد. با این وجود، نظریه‌های راش، هانتینگتون، لیپست، دی. آل. شت، میلبراث و مارجر، مارکس در مورد تفاوت در پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان، با این وجود نظریات این اندیشمندان تأیید می‌شوند.

به نظر هانتینگتون، از میان عوامل منزلتی، میزان تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. تغییرات در مشارکت سیاسی به نحو روشنی در بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و طبقاتی مختلف، سطح تحصیلات، مشاغل، جنسیت، قومیت‌ها و محل سکونت اختلاف معناداری را نشان داده است. دی. آل. شت ضمن تأکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد گویای آن است که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است. سنجشی که از متغیر تحصیلات انجام شده بیانگر آنست، بیشترین پاسخگویان معادل $34/5$ درصد تحصیلاتشان در سطح لیسانس بوده است. با توجه مقدار $F(3/844)$ که در سطح معنی داری کمتر از $0/01$ ($0/000$) قرار دارد و معنی دار است، فرض پژوهش تأیید می‌شود. بر این اساس بین سطح تحصیلات افراد و مشارکت سیاسی آنان تفاوت وجود دارد. با این وجود، نظریات اندیشمندان چون هانتینگتون، مارجر، دی. آل. شت، رفیع پور در مورد تفاوت در میزان تحصیلات افراد و مشارکت سیاسی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

مایکل راش، مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر اساس پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، منطقه و مکان سکونت، شخصیت، محیط سیاسی یا زمینه‌ای که مشارکت در آن اتفاق می‌افتد، را متفاوت می‌داند. بر این اساس، سن بعنوان یک متغیر مورد سنجش قرار گرفت که علاوه بر اینکه میانگین سنی افراد $38/30$ و بیشترین افراد شرکت کننده در این پژوهش سنشان بین $39-45$ بوده، از آزمون واریانس یکطرفه استفاده شد که مقدار $F(2/401)$ در سطح معنی داری کمتر از $0/01$ ($0/000$) قرار داشته و معنی دار است و فرض پژوهش تأیید می‌شود. با توجه به نتیجه حاصله، بیانگر آنست که بین گروه‌های سنی جامعه و مشارکت سیاسی آنان تفاوت وجود دارد. نظر به تأیید فرضیه پژوهش، بر این اساس نظر آقای مایکل راش در مورد تفاوت در مشارکت سیاسی افراد در سنین مختلف مورد تأیید قرار می‌گیرد.

کنت و نیوتن معتقدند که اعتماد و صداقت اجتماعی ارتباط گسترده و محکمی با جنس ندارند. به نظر زتومکا، اعتماد و صداقت داشتن افراد لازمه زندگی افراد در جوامع جدید و شهر نشینی است و احتمالاً اعتماد و صداقت اجتماعی با مواردی نظیر جنسیت، قومیت، نژاد، مذهب، ثروت، تصورات قالبی و پیش داوری‌ها ارتباط دارد. به عقیده میلبراث و راش،

هانتینگتون و لیپست، مطالعات گسترده در کشورهای مختلف نشان داده‌اند که مشارکت سیاسی از گروهی به گروه دیگر متغیر است. این تغییرات به نحو روشنی در بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و طبقاتی مختلف، سطح تحصیلات، مشاغل، جنسیت، قومیت‌ها و محل سکونت اختلاف معناداری را نشان داده است. با توجه به نظریات فوق متغیر جنسیت پاسخگویان مورد سنجش قرار گرفت که برای آزمون رابطه بین جنسیت افراد و مشارکت سیاسی آنان، از آزمون کای اسکوئر استفاده گردید. با توجه به سطح معنی داری ۰/۷۲۳، مشخص شد، بین جنسیت افراد و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود ندارد. با توجه به نظریه کنت و نیوتن مبنی بر عدم رابطه بین جنسیت و مشارکت سیاسی، مورد تأیید قرار می‌گیرد ولی نظریه زتومکا و میلبراث و راش و هانتینگتون و لیپست، مبنی بر وجود تفاوت بین جنسیت و مشارکت سیاسی، رد می‌شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۴). **اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن**، نمایه پژوهش، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، جلد یک.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، مترجم مریم وتر. تهران: نشر کویر، چاپ دوم، جلد یک.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: نشر نی، چاپ دوم، جلد یک.
- پاتنام، روبرت (۱۳۷۷). **دموکراسی و نست‌های مدنی، تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار**، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام، چاپ اول، جلد یک.
- تاج مزینانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). «مشارکت سیاسی جوانان: ابعاد و پویایی‌ها»، **فصلنامه مطالعات جوانان**، شماره سوم، چاپ اول، جلد سوم.
- جاراللهی، عذرا و محسنی (۱۳۸۲). **مشارکت اجتماعی**، تهران: نشر آرون، چاپ اول، جلد یک.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). **جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظم اجتماعی**، تهران: نشر نی، چاپ اول، جلد یک.
- خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۷). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، مطالعه موردی استان گلستان»، **رساله دکتری جامعه‌شناسی**، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی. درگاه ملی آمار، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تاریخ نشر: ۱۳۸۵/۱۱/۲۸
- <http://www.amar.org.ir>
- راش، مایکل (۱۳۷۷). **جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی**، منوچهر صبوری، تهران: سمت، چاپ دوم، جلد اول.
- روشه، گی (۱۳۶۷). **کنش اجتماعی**، ترجمه احمدرضا غروی زاده. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان، چاپ دوم، جلد یک.
- سایت باشگاه اندیشه، به نقل از کنت و نیوتونف تاریخ نشر: ۱۳۸۳/۴/۶
- <http://bashgahandisheh.ir>

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). **پایان نظم و سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول، جلد یک.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). **بنیادهای نظریه‌های اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، چاپ اول، جلد یک.
- گن زیر، آیرن (۱۳۶۹). **کارگردانی و دگرگونی سیاسی در جهان سوم**، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر سفیر. چاپ دوم، جلد یک.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). **سیاست جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی**، مترجم منوچهر صبوری، تهران: نشرنی، چاپ دوم، جلد یک.
- لیپست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران: نشر توس، چاپ اول، جلد یک.
- میرزائی، خلیل (۱۳۸۸). **پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، جلد یک
- معین فر، علی (۱۳۸۳). «بررسی میزان دانش سیاسی دانش آموزان در دوره متوسطه و پیش دانشگاهی استان آذربایجان غربی و تأثیر آن بر میزان مشارکت آنان در فعالیتهای سیاسی در سال تحصیلی ۸۳-۸۲»، **گزارش طرح تحقیقاتی**، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، چاپ اول، جلد اول.
- نظری، علی (۱۳۸۴). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی دانش آموزان مقطع راهنمایی و متوسطه استان ایلام به اولیاء مدرسه»، **طرح تحقیقاتی**، سازمان آموزش و پرورش استان ایلام، چاپ اول، جلد یک.
- نورپور، ف (۱۳۸۵). **ابعاد میزان اعتماد جوانان بین ۲۰-۳۰ سال شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن**، دانشگاه آزاد رودهن، چاپ اول، جلد یک.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). **سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات نشر، چاپ اول، جلد اول.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳). **موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم**، احمد شهسا، تهران: نشر روزنه، چاپ اول، جلد یک.

(ب) منابع انگلیسی

Kawachi, I (2001). Social capital for Health and Human Development. The society for international Development.

Marger, M.N (1981).Elites and masses an introduction to political sociology, Hardcover